

آیا در انتخاب رئیس جمهور افغانستان رای مردم تعیین کننده است، یا اراده قصر سفید امریکا ؟

اکثریت قاطع مردم به این باور با من شریک خواهند بود که از آغاز کنفرانس بن آلمان بدینسو نقش اساسی را در تعیین سرنوشت مردم افغانستان دولت های قدرتمند جهان و در راس دولت ایالات متحده امریکا بازی نموده است. البته با دیکور دیموکراسی، یعنی باصحنه سازی ها، تا همه تصور کنند که مرجع اصلی تصمیم گیری مردم افغانستان بوده که لویه جرگه ها را مطابق سنت دیرینه خود برگزار کرده و از آن طریق دولت موقت را تشکیل داده، قانون اساسی را تدوین و به تصویب رسانده و رئیس جمهور و نمایندگان پارلمان را انتخاب کرده و بالاخره مردم کارنامه دولت را مورد پرسش و حساب دهی قرار داده است.

اما کسانیکه از اندک، درک سیاسی بهره مند بوده به خوبی میدانند که اگر این ظرفیت ها و روش انتخاباتی قبل از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ کمی در افکار و رفتار مردم کشور ما رخنه کرده بود، متأسفانه در دوران جنگهای خونین و ویرانگر رنگ باخت و از میان رفت و افراد وابسته به دولت ها و گروه های مذهبی - تروریستی از زور به مثابه یگانه ایزاری جهت رسیدن به قدرت سیاسی استفاده نمودند.

از اینکه چند ماه بعد چهار سال دور اول ریاست جمهوری آقای حامد کرزی به پایان میرسد و بار دیگر انتخاب رئیس جمهور و اعضای شورای ملی و محلی مطرح است، بی مورد نخواهد بود مختصراً در ارتباط به چگونگی قدرت یا سیاست و روش صحت و سقم انتخاب سیاسی اشاره ای بعمل آید :

یکی از خرافات مشهوری که در اثر تبلیغات مغرضانه از سوی اهل قدرت پرستان در اذهان مردم القا شده است، اینست که قدرت یا سیاست چیز بدی است. اینکه چرا قدرت در انظار مردم بد و فاسد شناخته شده است البته عوامل متعددی دارد. یکی از عوامل مذکور اینست که در طول تاریخ در همه جا کم و بیش مردم در تحت نظام های مطلق العنان و مستبد دینی مذهبی، ایدئولوژیکی، نظامی و غیره، قدرتمندان به خاطر آنکه در قدرت، بی رقیب و بی شریک باشند همواره قدرت و قدرخواهی را بد، و شهوت شیطانی و اهریمنی تبلیغ کرده اند، سالها و قرنها بمردم گفته اند هوا و هوس را در وجود تان نابود کنید، زیرا این دنیا درگذر بوده و می باید در فکر آخرت و حیات جاویدان باشید.

دوم : قدرت مطلق یا دیکتاتوری واقعاً چیز بد است زیرا بوجود آورنده فساد است.

سوم: مهمتر از همه فاسد شدن سیاست اینست که شخصی بدون مبارزه و تجربه و بدون استحقاق به قدرت برسد. که مثال مشخص آن چهار سال قبل در کشور ما بقدرت رسیدن جناب کرزی است که در کنفرانس بن آلمان دولت ایالات متحده امریکا از طریق ظاهر شاه کرزی را به عنوان شخص طرف اعتماد خود بمردم افغانستان و جهان معرفی کرد آنگاه مردم وی را بحیث شخص صاحب صلاحیت و کسیکه میتواند امتیاز بدهد و امتیاز بگیرد شناختند لذا تعیین اداره موقت، برگذاری لویه جرگه اضطراری، لویه جرگه قانون اساسی حکومت موقت و انتخابات ریاست جمهوری همه صحنه سازیها و مراسم تشریفاتی بودند برای نشان دادن فورم دنیا پسند دیموکراسی و الی اینرا همه میدانند که کرزی بر اساس تجربه کاری و مبارزه سیاسی و محبوبیت در میان مردم به قدرت نرسیده است، اینرا خودش هم میداند و با درک همین مسأله متکی به مردم نبوده و تا امروز در موضع مردم عمل نکرده است.

اكتساب صحیح و برحق قدرت اجتماعی آنست که نه داد الهی و نه از سوی اجنبی باشد بلکه شخص در اثر فعالیت ها و همفکریها و همکاریها تجربیاتی گرد آورده و در اثر رقابت و مسابقه با دیگران پخته و نیرومند شود و در امور اجتماعی بمردم امتحان دهد که متأسفانه بدینگونه تا حال در کشور ما کسی بقدرت نرسیده است.

اگر اینطور نبود، آقای کرزی کاملاً با عناصر خاین و جنایتکار سازش نمیکرد مطمئناً تا این حد جنگسالاران در همه نهاد های که تاکنون بوجود آمده جاه و صلاحیت نمی یافتند که این جنگ افروزان و قسم شکنان، قانون اساسی کشور را به دلخواه شان و بر اساس احکام شریعت و متناقض با حقوق اساسی مردم افغانستان و حقوق بشر تدوین و تصویب می نمودند و بالاخره با این همه مصلحت جوئی ها و سازشها ملیارد ها دالر امداد خارجی و عواید داخلی حیف و میل و به هدر نمیرفت و فساد و انارشیزم تمام تار و پود دولت و جامعه را فرا نمیگرفت.

اینکه چرا اکثر آکراسی های پارلمان به اشغال جنگسالاران در آمد دلایل فراوان دارد ولی به خاطر به درازا نکشیدن مطلب در اینجا فقط به ذکر یک عامل اساسی بسنده میکنم، پس از ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ در نیویارک، دولت امریکا تصمیم گرفت که با همکاری و همیاری گروه های مسلح جبهه شمال رژیم طالبان را در افغانستان سقوط داده که جلو

عملیات تروریستی را بتواند بگیرد به این هدف نخست جیبهای سران جبهه شمال ضد طالبان را پر از دالر نموده پس از سقوط طالبان با سپردن مقامات دولتی و چشم پوشی از هر عمل جنایتکارانه شان آنها را به عنوان صاحبان اصلی قدرت در افغانستان معرفی کرد و بدین تریب نهادهای مهم اداری و قانون گذاری به اشغال شان درآمد. اگر بعد از سقوط طالبان چند نفر از بلند رتبانان جنایتکار خلق و پرچم و میراث خوران جهاد که هر کدام پشتاره خیانت و جنایت را با خود دارند به محاکمه کشیده میشدند و مردم بصورت علنی جریان محاکمه شان را از طریق رادیو تلویزیون و دیگر وسایل ارتباط جمعی دیده و می شنیدند و در مورد جر و بحث های صورت می گرفت ممکن آنها تا این حد بخود حق و جرئت نمیدادند که خود را کاندید ریاست جمهوری و ولسی جرگه نموده و مردم هم تا این اندازه تحت فشار، بی خبری و غفلت قرار نمیگرفتند که آدمکشان و دشمنان شان را بحیث نماینده سیاسی شان انتخاب نمایند.

ولی با اینهمه نباید تصور نمود که قدرت و سیاست ذاتاً و ماهیتاً چیز بد و فاسد است. در صورتیکه قدرت از اجتماع و از میان مردم با رعایت آزادی و روش سالم و اصول شناخته شده مثبت کسب شود و در جریان کار و عمل قدرت به نقد کشیده شود، نه تنها قدرت و جامعه فاسد نمیشود بلکه اراده قدرت انسان را بسوی تعالی به پیش می برد.

مساله انتخاب هرگاه انتخاب به شکل ظاهری و فورمالیتی صورت گیرد، کسی و کشوری دیموکراسی ندارد و با داشتن یک نفر به عنوان رئیس جمهور، جامعه جمهوری ندارد. شکلها و فورم ها محتویات مربوط و لازم را در بر نمی گیرد، باید حد اقل از محتویات در اعمال و تفکرات و احساسات و رفتار جامعه باشد تا بتوان جمهوری و دیموکراسی داشت. با تحمیل شکل دولت نمیشود آن محتویات را ساخت، ساختن شکل دولت نمیتواند محتویات متناظرش را بطور حتمی و ضروری در مردم بسازد، بلکه تا اندازه آن محتویات اجتماعی و روحی و فکری و عاطفی باشد که شکل دولت از اجتماع بیرون آید.

نکته دیگر، برای انتخاب اینست که برای مردم فضای آزاد و آرام باشد تا مجال فکر کردن و اندیشیدن میسر باشد، اما جنگسالاران مذهبی و ایدئولوژی پرستان چپ و راست در ظرف سی سال اخیر ماهیت جامعه افغانستان را برای استقرار دیموکراسی نا سازگار ساخته اند، انتخاب رئیس دولت و نمایندگان شورای ملی در کشور ما وقتی درست بود که اقلاً مردم خود را از زیر تیغ جنگسالاران خارج می دیدند و زمینه شناخت کاندیدها و تشخیص خوب و بد پروژه هایشان را میداشتند، آنگاه اگر رئیس جمهوری انتخاب می شد ممکن میتوانست به جرئت پلان و پروژه هایش را به نفع مردم در ساحه تطبیق قرار دهد و همینطور نمایندگان پارلمان هم خود را مکلف به تدوین و تصویب قوانینی به نفع ملت می دیدند و حکومت را در اجرای صحیح و سالم آن وادار می نمودند، مگر چنانکه دیدیم هم رئیس دولت و هم نمایندگان شوری با معیارهای درست و شرایط مساعد انتخاب نشدند، لذا نتیجه خوب به بار نیامد بالعکس فساد، رشوه ستانی اختلاس، تجاوز به جان و مال مردم روز تا روز بیشتر شده رفت، بنا بران در چنین وضع که هر روز طالب سر می برد و مکتب در میدهد و امریکائی ها با پرتاب بم افراد بیگنای بیشماری رابه قتل میرسانند رای مردم برای انتخاب رئیس دولت و نمایندگان پارلمان نتایج مثبتی در بر نخواهد داشت.

از جمع بندی مطالب ذکر شده در بالا میتوان چنین نتیجه گرفت :

- ۱ - بنا بر نبود امنیت لازم و نبود، احزاب و افعاً سیاسی نه «قومی» و سازمانهای فرهنگی و اتحادیه های صنفی تا هنوز مردم آنچنان زنده و فعال نشده تا خود بتواند ایفای نقش رستاخیز افغانستان را بازی نماید.
- ۲ - علیرغم آنکه جنگسالاران در تمام نهادهای قدرت جای بسی مهمی را به اشغال خود در آورده اند ولی در دعوی قدرت با هم کنار نخواهند آمد و در میدان سیاست قادر به جبران خیانت و جنایات گذشته شان نخواهند شد.
- ۳ - جناب حامد کرزی با ادامه سیاست مصلحت جوئی با عناصر فاسد بهترین فرصت تاریخی را در جهت تغییر و تحول جامعه از دست داده و اگر بار دیگر به قدرت برسد باز هم کج راه گذشته را دنبال خواهد کرد.
- ۴ - محترم آقای جلالی که حالا و قبل از زمان معین خود را کاندید ریاست جمهوری نموده و پروژه ده صفحه ای اش را در سایت افغان جرمن آنلاین ارائه نموده است قبل از هر چیز این سوال به وی راجع می شود: شما که در کابینه آقای کرزی مسئولیت وزارت داخله را به عهده داشتید و در اثر عدم توافق به افشای لیست مافیای مواد مخدر با رئیس دولت از وظیفه استعفی نمودید چرا بعد از استعفی تا امروز هم به افشای لیست مذکور نپرداخته و مردم را در جریان نگذاشتید، اکنون چگونه از مردم برای رسیدن بمقام ریاست جمهوری طلب رای و اعتماد می نمایند؟
- ۵ - مردم افغانستان به واقعیت تا حال رئیس جمهور، نمایندگان پارلمان و هیچ نهادی را انتخاب نکرده، از عدم آگاهی، در کل براساس انگیزه های قومی - مذهبی با رای خود قدرت ها را تصدیق کرده و تصدیق انتخاب نیست.
- ۶ - گذشت هفت سال بخوبی نشان داده است که جنگ و عملیات تروریستی در افغانستان و پاکستان ریشه اش از پاکستان و به حمایت ارتش آنکشور آب می خورد، لذا تا زمانیکه کشور مذکور تحت فشار بین المللی از اهداف توسعه طلبانه اش بسوی هند و افغانستان منصرف ساخته نشود و از لحاظ داخلی عناصر قدرتمند فاسد از نهاد های دولت افغانستان کنار زده نشوند مشکل بی امنیتی و فساد در جامعه افغانی با تغییر رئیس دولت و چند تا وزیر و والی از بین

نخواهد رفت، گرفتاری بزرگ داخلی و خارجی کشورما نیاز به اراده قاطع قدرتهای جهان دارد تا با تشکیل یک کنفرانس وسیع به اشتراک نمایندگان با صلاحیت و تاثیر گذارمسائل را مورد بررسی و ارزیابی همه جانبه قرار داده و بعد از تصمیم گیری، اقدامات جدی صورت گیرد، در غیر آن ادامه این جنگها سرانجام احتمالاً جنگهای اتمی را بین هند و پاکستان به بار خواهد آورد.

پایان